

مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی در خاطره نگاشته «دا»

یحیی حسینیایی^۱، سید مهدی قریشی^۲، بهمن نزهت^۳

چکیده

توجه ویژه به نقش آموزندگی مؤلفه‌های جنگ در عرصه زندگی، اهمیت و ضرورت پرداختن به موضوع سبک زندگی را دو چندان می‌سازد. پژوهش حاضر با هدف شناسایی مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی در خاطره نگاشته دا که یکی از آثار مکتوب دفاع مقدس است به روش کیفی از نوع داده بنیاد انجام شد. بدین ترتیب، داده‌های کیفی مرتبط با موضوع، بررسی و سپس با مقایسه و سنجش داده‌ها و مفاهیم، مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی در قالب ۴۳ مفهوم و ۸ مقوله اصلی استخراج گردید. نتایج نشان داد که مقوله‌های اصلی مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی در خاطره نگاشته دا شامل مسائل اعتقادی و دینی، مسائل تربیتی، مسائل اخلاقی، مسائل انگیزشی، اتحاد و همبستگی، هدفمندی، خردگرایی و عملگرایی است که مؤلفه مسائل اعتقادی و دینی بیشترین فراوانی و نمود را نسبت به سایر مؤلفه‌ها در این خاطره نگاشته دارد.

واژگان کلیدی: خاطره نگاشته دا، خانواده، سبک زندگی اسلامی، ادبیات

دفاع مقدس.

نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۱۴ تاریخ بازنگری: ۱۳۹۹/۰۵/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۷/۰۱

۱. استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه افسری امام علی (ع)، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: hosseinaiyahya@yahoo.com

۲. استادیار فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران.

Email: Sm.ghoreishi@urmia.ac.ir

۳. استاد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران.

Email: B.nozhat@urmia.ac.ir

The Islamic Lifestyle Components in the Written Memory of "Da"

Yahya Husseinai¹, Seyed Mahdi Ghoreishi², Bahman Nozhat³

Paying special attention to the educational role of the aspects of war in the life makes the lifestyle a much more important subject. This qualitative study was conducted with the purpose of identifying the Islamic lifestyle components in the written memory of "Da", one of the written works in the holy defense, by applying the Grounded Theory research strategy; thus, after analyzing and comparing the qualitative data related to the subject, the Islamic lifestyle components were extracted in the form of 43 concepts and 8 main categories. According to the results, its main categories were as follows: belief and religious issues, educational issues, moral issues, motivational issues, unity and solidarity, purposefulness, rationalism, and pragmatism, that belief and religious issues had the most frequency compared to the other components in this written memory.

Keywords: written memory of "Da", family, Islamic lifestyle, literature of the holy defense.

Paper Type: Research

Data Received: 2020/ 05/ 03 **Data Revised:** 2020/ 08/ 02 **Data Accepted:** 2020/ 09 / 22

1. Assistant Professor of Persian Language and Literature, Imam Ali University, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

Email: hosseinaiyahya@yahoo.com

2. Assistant Professor of Jurisprudence and Islamic Law, Urmia University, Urmia, Iran.

Email: sm.ghoreishi@urmia.ac.ir

3. Professor of Persian Language and Literature, Urmia University, Urmia, Iran.

Email: b.nozhat@urmia.ac.ir

مسیر زندگی هر انسانی با توجه به باورها، اندیشه‌ها و رفتارش مشخص می‌شود و اینجاست که مفهوم سبک زندگی اهمیت می‌یابد. مفهوم سبک زندگی، بسیار گسترده و در ابعاد متعددی قابل بررسی است؛ این مفهوم در جامعه اهمیت ویژه‌ای دارد به طوری که در گفتمان ولایت منعکس شده و مقام معظم رهبری نیز بدان تأکید کرده است. سبک زندگی، جزئی از تاروپود زندگی هر شخص است و به قشر خاص یا طبقه خاصی تعلق ندارد. درحقیقت می‌توان گفت که سبک زندگی، نظام ویژه‌ای است که به فرد، خانواده یا جامعه، هویتی ویژه می‌بخشد. بنابراین، سبک زندگی مجموعه‌ای کم‌وبیش جامع و منسجم از عملکردهای روزمره یک فرد است. در واقع رفتارهای ساده و جلوه‌های ظاهری هنگامی که به شکل یکپارچه در نظر گرفته شود سبک زندگی ما را رقم می‌زند. (منگالی، ۱۳۸۹)

سبک زندگی از دیدگاه‌های متعدد و در قلمرو مبانی غربی و شرقی بررسی شده است. مقاله حاضر، سبک زندگی اسلامی برگرفته از کتاب *د/را* بررسی کرده و به دنبال گزینش مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی است که به شکل تنگاتنگی در راستای پاسداشت نهاد خانواده با مقولات دینی گره خورده است.

سبک زندگی هر شخصی می‌تواند او را به تعالی یا تباهی سوق دهد. بنابراین، شناخت مفاهیم سبک زندگی و انتخاب بهترین شاخص‌های آن از امور اساسی و ضروری در زندگی فردی و اجتماعی هر انسانی است. در حوزه دفاع مقدس و تولید آثار مرتبط با ادبیات پایداری، ضعف‌های زیادی وجود دارد که برخی مانند وجود الگوهای محدود و تکراری، ساخت ماجراها و داستان‌های کلیشه‌ای و یکنواخت، تولید آثاری بدون توجه به مؤلفه‌های فرهنگی و ترویج برخی از الگوهای رفتاری رزمندگان در جهت اهداف تبلیغاتی، انتقادات و غرض‌ورزی‌های افراطی و متعصبانه و مواردی از این قبیل، چهره حقیقی ادبیات جنگ را مخدوش کرده است. بنابراین، نگرش جامع و بی‌طرفانه به داستان‌های جنگ و توجه ویژه به نقش آموزندگی مؤلفه‌های جنگ در عرصه زندگی، اهمیت و ضرورت پرداختن به این موضوع را دوچندان می‌کند.

امروزه در جامعه، نوعی انباشت داستان و خاطره وجود دارد؛ یعنی حافظه تاریخی



انسان‌ها مملو از خاطرات و داستان‌های بی‌شماری است که در بیشتر شرایط و موقعیت‌ها، اخلاق و شخصیت آنها را شکل می‌دهد. در برخی موارد هم انسان بسیاری از رفتارهایش را با آن خاطرات توجیه می‌کند. بنابراین، برای بهره‌گیری درست از این خاطرات و رویدادها، راهکاری اساسی و مناسب نیاز است. سالانه داستان‌های متعدد و متنوعی به خوانندگان عرضه می‌شود. سبک نگارش داستان و سیرتوالی مطالب، این امکان را به نویسنده یا راوی نمی‌دهد که بتواند، آموزه‌ها و مفاهیم ارزشمند موجود در متن را در قالب الگویی مشخص به مخاطبان عرضه کند. از این رو، باید سازوکاری را فراهم کرد تا از مفاهیم موجود در متن داستان به بهترین نحو استفاده شود. سؤال اینجاست که مطالعه آثار دفاع مقدس چه کارکردهایی در زندگی امروز دارد. آیا داستان‌ها می‌توانند پاسخ‌گوی نیازهای دوران معاصر باشند. پژوهش حاضر با بازآفرینی آموزه‌های ادبی و با خلق گزاره‌های کاربردی، نگرش جدیدی درباره جایگاه ویژه خانواده و سبک زندگی اسلامی مطرح می‌کند.

هر جامعه زمانی می‌تواند ثمره جهان بینی خود را به دیگران نشان دهد که سبک زندگی او متناسب با باورها و ارزش‌هایش شکل گرفته باشد (شریفی، ۱۳۹۲)، پس ناآشنایی با سبک زندگی، خسارات جبران‌ناپذیری بر شخص و جامعه وارد می‌کند. در پژوهش حاضر، متن کامل کتاب *د/ بدون هیچ‌گونه تعصب، جانبداری و پیش‌فرض، مطالعه شده و داده‌های حاصل در قالب مفاهیم طبقه‌بندی شده است.*

یکی از مهمترین آثاری که وحشت و مصیبت جنگ را بعد از گذشت ۳۰ سال به خوبی نشان می‌دهد و تمام اقشار جامعه را با واقعیت جنگ آشنا می‌کند کتاب *د/ است.* (رحیمی، ۱۳۹۱) در داستانی که در *خاطره‌نگاشته د/* روایت شده است، بیشترین عبارت‌ها و جمله‌ها مربوط به رفتار و منش راوی داستان است و جنبه‌های برون‌گرایانه در آن نمود آشکارتری دارد (ایروانی، ۱۳۹۵). از این رو، مفاهیم و آموزه‌های ارزشمند در لابه‌لای متن داستان به بهترین و ملموس‌ترین شکل، قابل استخراج و طبقه‌بندی است. این متن، خاطره‌نویسته‌ای سنجیده و روشمند با ساختاری رمان‌گونه است که به زبانی طبیعی و با لحنی جذاب و ساده به توصیف رویدادها می‌پردازد. داستان و خاطره‌نویسته، وجوه مشترک زیادی با هم دارند، اما اصلی‌ترین تفاوت آنها در این است که تمام یا بخشی از داستان از عنصر تخیل

بهره می‌گیرد، ولی خاطره‌نویسته مبتنی بر واقعیتی است که به شکل روایت نقل می‌شود. روایتگر، خاطره را صادقانه و با همه جزئیات تعریف می‌کند، اما داستان‌نویس، داستان را طراحی و جزئیات را بر حسب نیاز به متن اضافه می‌کند. به طور کلی خاطره‌نگاشته عبارت است از: حوادث، رویدادها و سیرعادی زندگی روزمره که با گذشت زمان در قسمتی از ذهن جای گرفته است. همه انباشته‌های ذهنی، ماندگاری و اعتبار یکسانی ندارند. از این رو، بسیاری از آموخته‌ها و یافته‌های حصولی، رفته‌رفته کم‌رنگ می‌شوند، اما خاطره‌ها چون حاصل بازتاب دیده‌ها، گفته‌ها، شنیده‌ها و نتیجه تجربه حضوری، زیست علمی و تعلق باطنی بشر هستند به آسانی از یاد نمی‌روند (خضزاده، ۱۳۹۱).

کتاب *د* در چهل فصل تنظیم شده است و مطالب آن به سه بخش تقسیم می‌شود: وقایع قبل از جنگ؛ خاطرات و حوادث زمان جنگ و وقایع پس از مجروحیت. این کتاب روایت متفاوتی از جنگ را از زبان دختری هفده ساله با کلامی ساده و صمیمی بیان می‌کند. خاطره‌نگاشته‌ها، تلفیقی از روایت داستانی با رویکرد خاطره است که با گستره‌ای از حوادث و موضوعات گوناگون بیان شده است. نگاه ویژه به بنیان خانواده، باعث توجه بیشتر به قشر زنان و نقش آنها در تحولات اجتماعی می‌شود. (محمدعلی پور، ۱۳۹۱) نثر جذاب و عاطفی کتاب، ارتباط منطقی رویدادها، برقراری حس هم‌ذات‌پنداری، باورپذیری و عینیت بخشی از ویژگی‌های منحصر به فرد این کتاب است.

داستان اصلی کتاب *دا* در مورد سیده زهرا حسینی است که به همراه خانواده‌اش در محله‌ای نزدیک قبرستان خرمشهر زندگی می‌کند. آغاز جنگ تحمیلی در روز ۳۱ شهریور ماه ۱۳۵۹ زندگی او را دستخوش تغییر می‌کند. سیده زهرا دختری است با ایمان، فداکار، صبور، جسور، مسئولیت‌پذیر و با روحیه‌ای عجیب که تحت تأثیر تربیت خانوادگی رشد کرده است. او نیز مانند پدر و برادر بزرگش می‌خواهد مفید باشد و به مردم کمک کند. سیده زهرا در بدترین شرایط روحی، برای دفاع از شهر و سرزمینش، سخت‌ترین کارها را انجام می‌دهد تا حدی که داوطلبانه به کار در قبرستان خرمشهر و غسل و کفن اجساد شهدا می‌پردازد. پس از شهادت پدر و برادرش، مسئولیت خانواده را برعهده دارد و حتی پدر و برادرش را با داستان خود دفن می‌کند. مهارت‌های امدادی را می‌آموزد و در بیمارستان‌های

خرمشهر به عنوان امدادگر خدمت می‌کند. درحالی‌که بسیاری از مردم درحال خروج از شهر هستند او قصد دارد به خط مقدم برود. با جسارت و سخت‌کوشی موفق به این کار می‌شود و به مداوای مجروحان می‌پردازد. در این مرحله خودش مجروح و به بیمارستان منتقل می‌شود. (ر.ک.، حسینی، ۱۳۸۷)

درباره کتاب *د/ پژوهش‌های زیادی منتشر شده است*. معین‌الدینی (۱۳۸۸) در مقاله‌ای، شگردها و زمینه‌های تداعی معانی در داستان *د/ا* را بررسی می‌کند. این نویسنده با استفاده از روش سندکاوی و شیوه تحلیلی-توصیفی، جایگاه و نقش تداعی معانی را در فراخوانی حوادث و شکل‌دهی به آنها تشریح و تبیین کرده است. اسمعیل‌پور (۱۳۸۹) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود به توصیف و تحلیل گفتمان زبان شناختی *جنگ در روایت د/ا* می‌پردازد. وی تلاش کرده است ویژگی‌های زبان شناختی و ساختارهای گفتمانی را با رویکرد تبیین نوسانات زبان نوشتاری و گفتاری در روایت کتاب نشان دهد. محمدعلی‌پور (۱۳۹۱) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود ادبیات پایداری ایران و فلسطین و داستان *د/ا* سیده زهرا حسینی، راوی *د/ا* را با داستان الصبار بحر خلیفه از جنبه ساختار، محتوا و سبک نگارش به صورت تطبیقی بررسی کرده است. ایروانی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای به توصیف و تحلیل سبک شناسانه خاطره‌نگاشته *د/ا* پرداخته است. نویسنده در این مقاله، عناصر و شاخص‌های سبکی کتاب را در سه سطح زبانی، ادبی و فکری بررسی کرده است.

با توجه به ارزشمندی ادبی و محتوایی کتاب *د/ا* و اینکه تاکنون پژوهشی در موضوع بررسی سبک زندگی اسلامی در کتاب *د/ا* انجام نشده است؛ پژوهش حاضر با هدف غایی شناسایی مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی در این کتاب انجام شد. به خدمت‌گرفتن ادبیات در علوم فرهنگی و تربیتی، کاربردی کردن آثار ادبی با توجه به نیازهای عصر حاضر، برقراری اتحاد و همبستگی میان اعضای خانواده، توجه به نقش تأثیرگذار زنان در تحولات اجتماعی و پاسداری از ارزش‌های فرهنگی دفاع مقدس از جمله اهداف فرعی پژوهش حاضر است.

۲. روش پژوهش

راهبرد پژوهشی، روشی نظام‌مند و کیفی برای خلق نظریه‌ای است که در سطحی گسترده، فرایند کنش یا کنش متقابل موضوعی با هویت مشخص را تبیین می‌کند. (دانایی‌فرد، ۱۳۸۳)

نظریه داده بنیاد، یکی از راهبردهای اجرای پژوهش‌های کیفی است که در سال ۱۹۹۸ توسط گلاسر و استراوست^۱ مطرح شده است. در این روش، نظریه‌ها به‌طور مستقیم از دل داده‌ها استخراج می‌شوند. ویژگی اصلی و مهم نظریه داده بنیاد، تأکید بر بررسی دقیق داده‌های جمع‌آوری شده بدون هیچ‌گونه تعصب و جانبداری است. در این روش برای گردآوری داده‌های اطلاعاتی در مورد یک پدیده از شیوه‌های کیفی استفاده می‌شود و به جای تعریف مسئله بر مبنای ادبیات تحقیق و در قالب متغیرهای مستقل و وابسته، تنها سؤال اصلی تحقیق مطرح می‌شود (دانایی فرد، ۱۳۸۳).

اگر هدف، بررسی منسجم تمام ابعاد و مؤلفه‌ها در مجموعه ادبیات پایداری و یافتن اندیشه‌ها و آموزه‌های ارزشمند نویسنده و راوی در الگویی جامع باشد باید از شیوه‌ای خاص استفاده کرد. پژوهش حاضر با هدف انسجام بخشیدن به اندیشه‌های نویسنده و نشان دادن تمام جزئیات و مفاهیم موجود در روند رویدادها به روش گراند تئوری یا نظریه داده بنیاد^۲ انجام شد. در مرحله نخست، داده‌های کیفی مرتبط (متن داستان) استخراج و کدگذاری شد. با مقایسه کدها، چند کد که به یک جنبه مشترک اشاره داشت عنوان یک مفهوم به خود گرفت. آن‌گاه برای موارد مشابه در هر زمینه، مؤلفه‌های مشترکی تعریف شد. در پایان بر مبنای ارتباط میان مفاهیم مورد نظر، گزاره‌هایی استخراج شد. برای پی بردن به پایایی و اعتبار روش کار و نتایج حاصل از پژوهش، مفاهیم استخراج شده در قالب پرسش‌نامه، بین شش نفر از مدرسان توزیع شد. از ایشان خواسته شد تا ارتباط میان مفاهیم یادشده را با مبانی سبک زندگی ارزیابی کنند. نتایج بیانگر آن بود که میان دیدگاه‌های صاحب‌نظران با نتایج به دست آمده، ارتباط وجود دارد. از این رو، می‌توان به یافته‌های حاصل از این بررسی اطمینان کرد.

۳. یافته‌های پژوهش

در مرحله نخست، کدهای مناسبی (مفاهیم) به داده‌ها مختلف اختصاص داده شد. در مرحله دوم با مقایسه مفاهیم و یافتن پیوند مشترک میان آنها، کدگذاری محوری انجام شد. باید گفت که برخی از مفاهیم، وجه مشترکی با مؤلفه‌های تعریف شده دیگر نیز دارد.

1. Strauss, A., & Corbin, J.

2. Grounded Theory

مفاهیم و گزاره‌های مرتبط با مؤلفه مسائل اعتقادی و دینی در کتاب دا

مؤلفه	مفاهیم	گزاره‌ها
کسب روزی حلال		۱. خیلی تعجب کردم. او که این قدر زحمت می‌کشید. زحمتی که اصرار داشت برایش زور بازو صرف شود و نان حلال به دست بیاید. (ص ۲۴۱)
		۲. او حتی کارتوی بندر را قبول نداشت، می‌گفت: خیلی از مسائل که توی بندر هست باعث میشه پولش شبهه‌ناک بشه. (ص ۲۴۱)
عدم دل بستگی به مادیات		۱. رفتار بابا خیلی عجیب بود. او دیگر آدمی نبود که یکجا آرام بگیرد. به نظرم همه دل بستگی هایش را رها کرده بود. (ص ۹۰)
		۲. دوباره همان پیرمرد اولی گفت: انگار آدم هر چقدر بی‌تر بشه، به زندگی دل بستگی بیشتری داره. تو این جوونا رو بین چطور چون شون رو گرفتن سر دست. (ص ۲۶۹)
		۳. تجربه ازدست دادن بابا و علی باعث شده بود به هیچ کس حتی حبیب (همسر زهرا) هم دل نبندم تا راحت تر به مسئله شهادتش برخورد کنم. (ص ۲۲۹)
		۴. وقتی مردم جانشان را می‌دادند، دیگر طلا چه اهمیتی داشت. هنوز در کمد را نبسته بودم که صدای دا را از پشت سرم شنیدم، پرسید: چرا اینا رو در می‌اری. (ص ۱۲۱)
ایمان و اعتقاد قلبی		۱. تو نگران چی هستی. تازه بالاترین دارایی هر کس خداست. اعتقاد به خدا که باشه نیاز به کسی نداری. خدا خودش خانواده‌ات رو تکفل می‌کنه. (ص ۳۷۸)
		۲. از حضرت زینب خواستم آن قدر به من صبر بدهد که بتوانم تحمل کنم. اشک‌هایم می‌ریخت و می‌گفتم: نخواه این مصیبت باعث ازدست رفتن عقاید من بشود. (ص ۳۴۷)
مسائل اعتقادی و دینی	کسب رضایت خدا و خلق	۱. با شرمندگی از بابا حلالیت خواستم و گفتم: بابا اگه من اون طوری که تو می‌خواستی، نبودم، اگه از من رنجیدی، اگه اذیت کردم، مرا حلال کن. سعی می‌کنم با وظیفه‌ای که روی دوشم گذاشتی گذشته‌ها رو جبران کنم. (ص ۲۰۴)
		۲. پرسیدم: پس اگه آدم اینجوری نمیره، چه جوری باید بمیره. گفت: طوری بمیره که در راه رضای خدا باشه. در حال انجام کاری برای رضای خدا باشه. (ص ۲۰۵)
به یاد مرگ بودن		۱. سرگودالی که کنده بودم، ایستادم. دست به زانوهایم گذاشتم. کمی خم شدم بینم گودی قبر اندازه است یا باید باز هم بکنم. در عین حال به خودم هم می‌گفتم: حالا که مردن اینقدر ساده است، حتما یکی از قبرها هم امروز، فردا مال من میشه. (ص ۱۱۹)
		۲. صدای زینب خلوتم را به هم زد: دختر چرا خوابیدی توی قبر. گفتم: می‌خوام بینم مرگ چه طعمی داره. یه کم خاک روم می‌ریزی؟ (ص ۱۲۸)
افتخار دانستن شهادت (طلبی)		۱. دستم را دور گردن لیلا انداختم. صورتش رو بوسیدم و آرام گفتم: غصه نخور، جای افتخار داره بابامون شهید شده. شهادت عزت داره. (ص ۲۱۹)
		۲. حرفش را یادم آمد که می‌گفت: من مرگ در راه خدا را عین زندگی می‌دانم. زندگی واقعی در شهادت است. (ص ۲۶۷)
		۳. به خودم گفتم: تو که آرزوی رسیدن به بابا رو داشتی اگر کمی آنجا می‌ماندی تو هم می‌رفتی، تو هم به آرزوت می‌رسیدی. (ص ۲۷۹)
		۴. علی یک دفعه عصبانی شد و گفت: مگه مادر عباس نگران عباس نبود. مگه آنها خانواده نداشتند. من آن قدر توی سپاه می‌مانم تا شهید شوم. (ص ۳۵۴)
		۵. گفتم: کفر نگو، بابا راهی رو رفت که همیشه دوست داشت. باعث افتخار و غرور ماست که بابا راه جدش رو رفته. (ص ۵۷۰)



	آرامش یافتن با ذکر اهل بیت <small>علیهم‌السلام</small>	۱. گفتم: برای چی ندونم به سرمون چی اومده، اما مگه بابا از امام حسین عزیزتره یا ما از حضرت زینب (س) بهتریم. بعد بغلش کردم و در گوشش از مصیبت‌های حضرت زینب (س) گفتم. گریه می‌کرد و می‌گفت: بمیرم برای دل زینب (س). (ص ۱۹۹) ۲. اشک تمام صورتم را گرفته بود. هول عجیبی داشتم که بابا را چطور می‌بینم. در بین بابا گفتن هاییم، اسم امام حسین <small>علیهم‌السلام</small> را هم می‌آوردم. آخر تنها تکیه‌گاه و نقطه آرمشی که می‌شناختم، امام حسین <small>علیهم‌السلام</small> بود. (ص ۲۰۱) ۳. به بچه‌ها گفتم: گریه نکنید، بابا راه امام حسین <small>علیهم‌السلام</small> رو رفته. به راه خدا رفته. بچه‌های امام حسین <small>علیهم‌السلام</small> رو یادتون میاد. دشمن باباشون رو شهید کرد. (ص ۱۹۸) ۴. هر دو تا رو به روی هم نشستیم. لیلای سرش را به آسمان گرفت و با سوز و ضجه‌ای گفت: یا حسین (ع)، بعد با دست‌هایش صورتش را پوشاند و اشک‌هایش ریختند. (ص ۳۵۹)
مسائل اعتقادی	انس با قرآن	۱. خوش به سعادت شماها که کنار هم‌چین مردی زندگی می‌کردید. بعد چیزی به طرفم گرفت. سجاده مخملی، جعبه نوارهای قرآن و... سرباز گفت: این چندروزه دائم نوارهای قرآنش روشن بود. (ص ۲۰۰) ۲. زمان می‌گذشت و من برای دیدن بابا بی‌تاب می‌شدم. وقتی سرباز سجاده و ضبط بابا را دستم داد و گفت: آقا سید این چندروز قرآن می‌خواند. دیگر نتوانستم طاقت بیاورم و بایستم. (ص ۲۰۱)
و دینی	یاری گرفتن از خدا در کارها	۱. یک دفعه متوجه شدم بلند بلند حرف می‌زنم و با خدا راز و نیاز می‌کنم. از خدا می‌خواستم اگر کسی از خانواده من شهید شده است این قدرت را به من بدهد، بتوانم تحمل کنم. (ص ۱۹۶) ۲. کمی به خودم آمدم و گفتم: اگه دل این کارها رو نداری بهتره از شهر بری. حالا تا کی می‌خواهی اینجا بنشین و عزا بگیری. بلند شو، تا الان خدا کمک کرده، بعد از این هم خدا بزرگه. (ص ۲۸۱) ۳. بعد از نماز صبح، دورکعت دیگر هم به نیت اینکه خدا به من صبر بدهد، به حضرت رقیه <small>علیها‌السلام</small> هدیه کردم. (ص ۳۴۶)
اهمیت دادن به نماز		۱. رفتم توی حیاط، دم شیر آب وضو گرفتم و توی طارمه (ایوان) نمازم را خواندم. به نظرم بعد از نماز حالم خیلی بهتر شده بود. (ص ۸۹) ۲. صدای اذان که آمد از بینشان جدا شدم، وضو گرفتم و داخل شبستان رفتم. پشت یک ستون ایستادم. می‌خواستم تنها باشم. اول نماز خواندم. بعد نشستم و با خدا خلوت کردم. (ص ۲۱۴)
دعا و نیایش به درگاه خدا		۱. پیگیری‌های دا و دعا‌هایش به درگاه خدا بالاخره کار خودش رو کرد. (ص ۲۴) ۲. نمی‌دانستم او را موج انفجار گرفته و موج انفجار چه اثراتی دارد. شروع کردم به ذکر گفتن، آیت الکرسی و امن یجیب خواندم. (ص ۲۹۵)

جدول ۲

مفاهیم و گزاره‌های مرتبط با مؤلفه مسائل تربیتی در کتاب دا

مؤلفه	مفاهیم	گزاره‌ها
	ساده زیستی	۱. می‌گفتم: وقتی قرار است آدم بمیرد دیگر این چیزها چه ارزشی دارد. خوردن و خوابیدن چه معنایی دارد. خیلی ساده‌تر از اینها می‌شود زندگی کرد. (ص ۱۰۰) ۲. در این چند سال زندگی در آبادان، و سايلمان به همان چند تکه ظرف و یک چراغ خوراک پزی و چند تخته پتو خلاصه می‌شد. (ص ۷۰۵)
مسائل تربیتی	وقت شناسی	۱. اصلا از اینکه بچه‌هایش وقتشان را در کوچه بگذرانند، خوشش نمی‌آمد. من هم که از صبح بی‌اطلاع از خانه بیرون بودم، حالا هرچه به سرم می‌آمد، حقم بود. (ص ۸۶) ۲. گفتم: بین خودت هم می‌دانی حالت‌ها عادی نیست. الان موقع این کارها نیست. چیزی نگفت و راه افتاد. برای اینکه زودتر به مجروح‌ها برسیم شروع کردیم به دویدن. (ص ۳۰۱)
واکنش‌های رفتاری مناسب		۱. می‌دانستم بابا هر وقت از دستمان ناراحت یا عصبانی باشد، جواب سلامان را نمی‌دهد. یا می‌گوید: علیک ناسلام. (ص ۸۶) ۲. با تعجب گفت: مثلا چیکار می‌کردی. گفتم: تو غسل و کفن کردن شهدا کمک می‌کردم. گفت: آره بابا، خدا خیرت بده. امروز روزیه که باید به هم کمک کنیم. (ص ۸۷)



<p>۱. گاهی زنش میوه یا چیز دیگری برای ما می‌آورد، اما دا قبول نمی‌کرد و با آن غرور خاص خودش می‌گفت: «ما چیزی لازم نداریم.» (ص ۳۸)</p> <p>۲. وقتی می‌دیدم دا باید توی صف بایستد و جیره بگیرد خیلی ناراحت می‌شدم. حس می‌کردم عزت نفسمان خدشه دار می‌شود. (ص ۵۶۵)</p>	<p>حفظ عزت نفس</p>
<p>۱. صاحب این خانه با اینکه ظاهراً آدم خوبی به نظر می‌رسید، ولی اهل کارهای خلاف بود. بالاخره این مسئله باعث شد آنجا نمانیم و خیلی زود به خانه دیگری برویم. (ص ۴۹)</p> <p>۲. اخلاق آدم‌های جورواجور با فرهنگ‌های مختلف و ... نگرانم می‌کرد. می‌رفتم و موقع بازی کنارشان می‌ایستادم. (ص ۵۶۳)</p> <p>۳. هوای همه مان را داشت. سعی می‌کرد زمان کمی که بین ما هست، تا حدودی کمبودها را جبران کند تا بتواند با خیال راحت برود. (ص ۲۱)</p> <p>۴. مهربانی‌های بی‌بی (مادربزرگم) هم دست کمی از پایا (پدربزرگم) نداشت. او بین ما و بچه‌هایش هیچ فرقی نمی‌گذاشت. (ص ۲۸)</p>	<p>مسائل تربیتی</p>
<p>۱. علی صبح به مدرسه می‌رفت و من بعد از ظهر. او به محض تعطیلی از مدرسه، یک نفس تا خانه می‌دوید، کفش‌های کتانی‌اش را از پا درمی‌آورد و به من که آماده، منتظرش بودم، می‌داد. (ص ۵۲)</p> <p>۲. جگرم داره می‌سوزه. هیچ کاری از دستم بر نمی‌یاد برای بچه بکنم. نشستم و دستی به صورت دختر بچه کشیدم. یک دفعه شنیدم مردی می‌پرسد: کجا باید برم خون بدم. با این حرف از جا پریدم. توی این شرایط حداقل می‌توانستم خون بدهم. (ص ۷۸)</p>	<p>ایثار و خودگذشتگی</p>

جدول ۳

مفاهیم و گزاره‌های مرتبط با مؤلفه مسائل اخلاقی در کتاب دا

گزاره‌ها	مفاهیم	مؤلفه
<p>۱. حبیب از منطقه به تهران آمد. با خانواده‌اش قرار عروسی را گذاشتیم. سرمهریه هم کمی چانه زدیم. من می‌گفتم: مهریه باید کم باشد. حبیب می‌گفت: مهریه باید به اندازه‌ای باشد که حق زن ترضیع نشود. (ص ۶۵۷)</p>	<p>قناعت و کم توقعی</p>	
<p>۱. بعد از صحبت با آقای مازندرانی، او خیلی با احترام مرا به قسمت دیگه‌ای راهنمایی کرد. مسئول آن قسمت، سه تخته پتو و پانزده هزار تومان پول جلویمان گذاشت. به او گفتم: من اینجا نیامده‌ام که چیزی بگیرم. (ص ۶۲۱)</p> <p>۲. من از قبل به دا سپرده بودم آگه از جایی آمدند، حق نداری سرسوزنی چیزی بخواهی. ما شهید ندادیم که بیاییم اینجا چیزی بگیریم. (ص ۶۳۵)</p>	<p>عدم منفعت جویی</p>	<p>مسائل اخلاقی</p>
<p>۱. کارش، قولش برای همه حجت بود. به خاطر خلق و خویش، حتی بعد از مدت‌ها که به منازل شهرداری آمده بودیم از محله‌های قبلی به سراغش می‌آمدند. (ص ۲۰۴)</p> <p>۲. گفتم: نترس ما پیرو سنت رسول الله هستیم و با اسرا بد رفتاری نمی‌کنیم. هر چی می‌خواهی بگو برایت می‌یاریم. (ص ۴۶۵)</p>	<p>خوش اخلاق بودن</p>	
<p>۱. یک عده درباره خرمشهر می‌پرسیدند. بعضی هم دعا می‌کردند. خدا یارتون باشه، خدا حفظتون کنه. ماشالله این دختر مثل شیر می‌مونه. از این حرف‌ها خجالت می‌کشیدم، دوست نداشتم این طوری درباره‌ام بگویند. (ص ۱۸۹)</p> <p>۲. آن یکی گفتم: نگران نباشید این هم مثل خودمون شیریه. از این نوع حرف زدن حس خوبی نداشتیم. (ص ۲۳۰)</p>	<p>مغرور نشدن از تمجید اطرافیان</p>	

	نوع دوستی	<p>۱. یک سطل شربت آلبیمو آوردند و به ما تعارف کردند. از آن طرف دلم می خواست بچه های جنت آباد (قبرستان خرمشهر) هم از این شربت می خوردند. (ص ۱۹۰)</p> <p>۲. چون شیفت اول برای ما مناسب تر بود به حسین و عبدالله گفتیم: اول ما می ایستیم. شما بخوابید. با لیلای کمی دورتر از اتاق ها لبه جدول نشستیم تا حرف زدیمان خواب بقیه را خراب نکند. (ص ۲۶۶)</p> <p>بازگفتم: این طور درست نیست. حالا اینها بعضی هم باشند، اسمشان مسلمان بوده. برای هر کدام جداگانه قیر بکنید. من خودم دفنشون می کنم. (ص ۳۶۲)</p>
مسائل اخلاقی	سخت و مهمان نوازی	<p>۱. او با آن شرایط سخت، وقتی اقوام دا یا خودش برای کار به خرمشهر می آمدند و در خانه ما می ماندند، با رویی باز و گشاده دستی از آنها پذیرایی می کرد. (ص ۵۹)</p> <p>۲. بابا خیلی مهربان و یتیم نواز بود. همسایه ای داشتیم که پدر نداشت. بابا دست به غذا نمی برد تا اول هرچه که دا درست کرده یا هرچی که داشتیم برای آنها ببرد، بعد سر سفره بنشیند. (ص ۲۰۳)</p>
محبت به اعضای خانواده	محبت به اعضای خانواده	<p>۱. زمانی که او بعد از مدت ها می آمد، خانه طور دیگری می شد. ما را بغل می کرد و می بوسید. می خندید و سر به سرمان می گذاشت و خلاصه سعی می کرد تاجایی که ممکن است به ما محبت کند. (ص ۱۹)</p> <p>۲. بابا هم که انگار از اولش راضی به رفتن علی نبود و تحت شرایط خاصی به این کار تن داده بود با مهربانی دلیلش را پرسید. (ص ۵۱)</p>

جدول ۴

مفاهیم و گزاره های مرتبط با مؤلفه مسائل انگیزشی

مؤلفه	مفاهیم	گزاره ها
	ایجاد آرامش روحی و روانی	<p>۱. باید دا را آرام می کردم. نمی خواستم رفتار ما باعث تزلزل روحیه آنها شود. حرف دا، گریه بچه ها را بیشتر کرد. نشستیم. یکی یکی شان را توی بغل گرفتیم. بوسیدیم و دست به سرشان کشیدیم. سعی کردم آنها را آرام کنم. (ص ۱۹۷ و ۱۹۸)</p> <p>۲. به دا گفتم: چرا بی تابی می کنی. خوب بود بابا توی تصادف از دست می رفت یا مریض می شد و به رحمت خدا می رفت. اینها را که گفتم، گفت: الحمدالله. (ص ۲۱۶)</p>
	ایجاد انگیزه برای کارهای نیک	<p>۱. اولین بار که می خواستم نماز بخوانم، رفتم سراغ پایا. وقتی فهمید می خواهم نماز بخوانم، خیلی خوشش آمد. مرا بغل کرد و بوسید. (ص ۳)</p> <p>۲. علی همیشه به خاطر قرآن و مداحی یا ورزش و ... تشویق نامه می گرفت. دا ذوق می کرد و می گفت: سرت تو هر دیگی پخته می شه. (ص ۵۵)</p>
	دلداری دادن به دیگران	<p>۱. گفتم: خب عیب نداره. خدا بزرگه. پسرت شیره، باید بهش افتخار کنی. می خواد با همین دست زخمی بره به جنگ دشمن. دعا کن براش، خدا حفظش کنه. (ص ۲۹۴)</p> <p>۲. گاهی که دلم خیلی می سوخت، بغلش می کردم، صورتش را می بوسیدم و می گفتم: بی تابی نکن، علی میاد و مرد خونه مون میشه. (ص ۵۶۴)</p>
مثبت اندیشی		<p>۱. وقتی فهمیدم پایا می آید، احساس می کردم، حالا دیگر خیلی خوشبختیم. (ص ۳۹)</p> <p>۲. وقتی خواستم لیف و صابون را بردارم، باز دچار تردید شدم. باید به لیفی دست می زدم که به تن همه مرده ها خورده بود، اما به خودم گفتم: دیر یا زود باید این کار را بکنی وگرنه اینجا ماندنت چندان فایده ای ندارد. (ص ۱۰۵)</p> <p>۳. به خودم دلداری دادم که ماندنم بی دلیل نبوده. جای بدی هم که نمانده ام. اگر می رفتم خانه تا صبح خوابم نمی برد و فکرم اینجا بود. حتما خواست خدا بوده و به دلم انداخته که بمانم. (ص ۱۳۰)</p> <p>۴. از آنجا که امیدوار بودم جنگ هرچه زودتر تمام شود، گفتم: زود برمی گردم، خیلی زود. سعید که ذوق مدرسه رفتن داشت و باورش شده بود من به خرمشهر می روم، گفت: می ری خرمشهر کتاب های من رو می یاری؟ عراقی ها می دارن؟ گفتم: اونا غلط می کنن نذارن. (ص ۵۶۳)</p>





<p>۱. یک دفعه سه تایی دورم را گرفتند و بغضشان ترکیب. خم شدم و دستم را دور سه تایشان گرفتم و گفتم: بابا رفته پیش خدا. الان از همه غصه ها راحت شده. شما باید خوشحال باشید که بابا خوشحاله. (ص ۲۰۷)</p> <p>۲. اما تنها چیزی که می توانست مردم را به حرکت در بیاورد و نورامیدی در دلشان ایجاد کند، خبر موفقیت نیروهایمان بود. گفتم: جنگ تموم نشده، ولی تموم میشه. بچه های ما توی خط، عراقی ها رو عقب روندند. ان شاء الله جنگ تموم میشه. (ص ۲۴۵)</p> <p>۳. خطاب به جمع گفتم: شما چرا گریه می کنید. شما باید به من دلداری بدید. امروز روز عروسیه علیه. خودش گفته روزی که شهید بشم روز دامادی منه. (ص ۳۵۵)</p>	<p>روحیه دادن به اطرافیان</p>
<p>۱. آنها خیلی با هم خوب بودند. من هیچ وقت ندیدم دا به بابا اعتراض کند که چرا نیستی و ما را تنها می گذاری. واقعا صمیمی بودند. (ص ۲۰)</p> <p>۲. می گفتند: تو چطور این قدر روحیه داری. ما تعجب می کنیم. انگار نه انگار که بابا و برادرت رو از دست دادی. همش در حال کاری و خنده رو لب هاته. (ص ۳۶۹)</p> <p>۳. می گفتم: بدو کار داریم. گاهی هم برای شوخی می گفتم: لیلا من تند نمی رم، خود این شهید من رو می بره. برای رفتن به بهشت عجله داره. (ص ۴۲۲)</p> <p>۴. از خوشحالی سرازیا نمی شناختم. بلندشدم، رفتیم توی مطب. می خندیدیم و می گفتم: این نتیجه اتحاد. باید هوای همدیگه رو همین طوری داشته باشیم. (ص ۴۰۱)</p>	<p>ایجاد فضای شاد و شادی بخشی</p>

جدول ۵

مفاهیم و گزاره های مرتبط با مؤلفه اتحاد و همبستگی

گزاره ها	مفاهیم	مؤلفه
<p>۱. بیشتر مخارجمان از اجاره خانه تأمین می شد. دا هم برای کمک خرج از بازار الیاف گونی می خرید، آنها را می رسید و لیف می بافت و می فروخت. (ص ۱۹)</p> <p>۲. دا هنوز برای کمک خرج خانه، خرما پاک می کرد. ما هم می نشستیم به کمک. حتی سیدعلی و سیدمحسن هم کار می کردند. (ص ۴۵)</p>	<p>کمک برای تأمین مخارج زندگی</p>	<p>اتحاد و همبستگی</p>
<p>۱. علی، بندکشی دیوارها و محسن و بابا جوشکاری ساختمان را انجام می دادند. من و لیلا هم کمک می کردیم. (ص ۵۶)</p> <p>۲. با صدایی که خس خس می کرد، پرسید: اومدی کمک کنی یا دنبال شهیدت هستی. من که بهت زده بودم، گفتم: اومدم کمک کنم. (ص ۸۲)</p> <p>۳. صورتم را بوسید. دست هایم را از دور گردنش باز کرد، توی صورتم نگاه کرد و گفت: آره، امروز همه باید کمک کنند. (ص ۸۸)</p> <p>۴. برای گذر مردم از ساحل به داخل قایق ها چند تخته الوار توی آب انداخته بودند. من با وجودی که از آب می ترسیدم، سعی کردم به زن هایی که بچه کوچیک دارند، کمکم کنم. (ص ۳۸۹)</p>	<p>حس همیاری و کمک رسانی</p>	
<p>۱. پس باید با جنگ و دندون از مملکتمون دفاع کنیم. ما که گفتم، سرباز امام هستیم، حالا باید نشون بدیم که سرباز واقعیش هستیم و گوش به فرمانش داریم. (ص ۱۸۹)</p> <p>۲. گفتم: این که دلیل نمی شه. مگه امام، رهبر این مملکت و رهبر همه مسلمانان جهان نیست. (ص ۵۹۴)</p>	<p>پیروی از رهبری</p>	

جدول ۶

مفاهیم و گزاره‌های مرتبط با مؤلفه هدفمندی در کتاب دا

مؤلفه	مفاهیم	گزاره‌ها
هدفمندی	حرکت آگاهانه در مسیر اهداف	۱. تا علی از تهران برگرده مواظب بچه‌ها باش. بالاخره شهادت هست، اسارت هست، مجروحیت هست. ما راهی رو می‌ریم که بهش آگاهییم. می‌دونیم چه اتفاقی می‌افته. (ص ۱۵۶) ۲. دکتر سعادت هم گفت: آقا ما بیه همه چیز رو به تمنون مالیدیم. این خواهرها رو هم از چیزی نترسونید. اینها همه چیز رو می‌دونند و آگاهانه جلو اومدن. (ص ۵۰۰)
	سخت‌کوشی در راه عقیده	۱. برای اینکه جعبه‌ها را بتوانیم با خودمان ببریم درشان را بازکردند. من روی هرکدام از شانه‌هایم سه تا ز-۳ انداختم. گفتند: نمی‌تونی اینجوری بدوی. گفتم: نه، می‌تونم. (ص ۴۹۸) ۲. بنده خدا یک نگاه به من و یک نگاه به بقیه انداخت و گفت: برید اسیر می‌شید. عراقی‌ها همه جا هستن. گفتم: باشه اسیر بشیم. من هم باید به کاری بکنم. (ص ۵۰۰)
	صبر و تحمل‌پذیری	۱. او می‌خواست باز هم صحبت کند، ولی من حال و حوصله نداشتم. راستش از جیغ جیغ کردن‌هایش اصلاً خوشم نیامد. چندبار بهش گفتم: به‌کم تحمل کن، اینجا وضع همه از من و شما بدتره. (ص ۵۲۱) ۲. حبیب (همسر سیده زهرا) چندوقت بعد از آمدنش، بعضی از مسائل ساختمان را که دید به من گفت: چرا به من چیزی نمی‌گفتی. تو چه صبری داشتی که اینها را تحمل کردی. (ص ۷۳۰) ۳. دایی گفت: زهرا من حیروم، این تویی. دختر تو چه صبری داری. (ص ۳۵۱)

جدول ۷

مفاهیم و گزاره‌های مرتبط با مؤلفه خردگرایی در کتاب دا

مؤلفه	مفاهیم	گزاره‌ها
خردگرایی	درک شرایط و موقعیت‌شناسی	۱. بعد از این همه کار کفن و دفن، یک ساعت دور هم نشسته بودند تا استراحتی بکنند و از آن حال و هوای غسالخانه بیرون بیایند. آن وقت روا نبود ما با گریه‌زاری ناراحتشان کنیم. (ص ۲۱۹) ۲. عصبی شدم، گفتم: دا، همه حال و روز ما رو دارن. شرایط ما هم مثل اوناست، قرار نیست این قدر که شیون و زاری کنند. (ص ۲۲۳) ۳. گفتم: باشه حرف‌های شما درست، ولی من احساس می‌کنم باید برم حرف‌هام رو بزنم. شاید به‌کم به فکر بیفتند. (ص ۴۳۲)
	کتمان حقایق برای پرهیز از فشار روحی و روانی	۱. با اینکه یقین داشتم جوان کشته شده است، نمی‌توانستم حقیقت را به آنها بگویم. گفتم: ما می‌بریمش بیمارستان. شما هم برایش دعا کنید. (ص ۳۰۵) ۲. رعب و وحشت ایجاد بکنیم که چی بشه. جز اینکه وضع رو بدتر می‌کنه، کاری از پیش نمیره. بذار مردم با آرامش از شهر خارج بشن. (ص ۳۱۱)
	روحیه پرسشگری	۱. از مجروحانی که از فلکه راه آهن و کشتارگاه می‌آوردند، می‌پرسیدم: آنجا چه خیراست. می‌گفتند: تانک‌ها آمده‌اند، ما جلویشان ایستاده‌ایم. (ص ۲۳۶) ۲. پرسیدم: یعنی الان ماهشهره. تابه حال اسم چنین جایی رو نشنیده بودم. پرسیدم: بیمارستان صحرائی دیگه کجاست. گفتند: دارخوین، طرف‌های شادگان. (ص ۴۱۰) ۳. دیدن مجروحینی که از آبادان و خرمشهر می‌آوردند، بیشتر عصبی‌ام می‌کرد. دلم می‌خواست از آنها خبر بیشتری بگیرم. گاه از کسانی که از جلوی در اتاق رد می‌شدند و به‌نظم چهره‌یشان آشنا بود، سؤال می‌کردم. (ص ۵۵۵)
هوشیاری و زکاوت	۱. مطمئن شدم این آدم همان طور که فکر می‌کردم، ریگی به کفش داره. به همین خاطر بهش گفتم: دلیلی برای موندن ما نیست. (ص ۴۵۸) ۲. گفت: چرا برق‌های اینجا اشکال داره. با اینکه مردی در خانه نبود، ولی ما گفتیم: صبر کنید تا مردانمان را ببینیم. ما دوباره گفتیم: خب اگه لازمه آنها رو صدا کنیم که دیگه جوابی نیامد. از این دست ماجراهای منافقین کم نبود. (ص ۶۶۳)	

جدول ۸

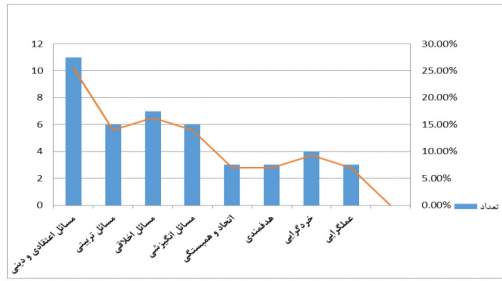
مفاهیم و گزاره‌های مرتبط با مؤلفه عمل‌گرایی در کتاب دا

مؤلفه	مفاهیم	گزاره‌ها
عمل‌گرایی	تلاش در راه خدا	۱. گاهی بابا درحین نصیحت هایش حرف‌هایی به من می‌زد. من مسیر درست رو تو زندگیمنتخاب کردم. شما هم باید تلاش کنید و به خدا توکل کنید. (ص ۲۴۰) ۲. گفتم: اگه لطف خدا نبود تا الان هزاربار جان داده بودم، ولی خیلی سخته. گفت: آره می‌دونم سخته، ولی اگه توکل کنی سختی ازبین میره. (ص ۳۷۹)
	وظیفه‌شناسی	۱. گفتم: من نمی‌دونم. من هم به کسی تعهد ندادم تو جنت‌آباد بمونم، ولی احساس وظیفه کردم. (ص ۱۴۲) ۲. گفتم: من می‌دونم سنگینه. منتهی من هم خودم نخواستم. ناخواسته روی دوشم گذاشته شد. خوب یا بد باید تلاش کنم. بعد گفتم: لیلا دعا کن منم با شهادت برم. نگران مسئولیت هم نباش. علی (برادر سیده زهرا) میاد مسئولیت بچه‌هارو گردن می‌گیره. (ص ۲۶۷) ۳. یک مقدار که آرام شد، به اعتراض بهش گفتم: اصلا کار درستی نکردی. نزدیک بود بقیه رو هم با این کارت به کشتن بدی. (ص ۵۰۶)
	توجه به اعمال و رفتار خویش	۱. یک لحظه به تنگی و تاریکی قیر فکر کردم. بعد با خودم گفتم: چندان ترسی هم نداره، همه چیزش عادیه. اعمال آدم مهمه که باید درست باشه. (ص ۱۱۲) ۲. مراحلی را که این روزها موقع تدفین شهدا دیده بودم به ذهن می‌آوردم. خواباندن روی پهلوی راست و قرارگرفتن صورت روی خاک، سنگ لحد بالای سرو بعد تاریکی و تنهایی. رعب و وحشت عجیبی توی دلم افتاد. یاد کارها و اعمالم افتادم. (ص ۱۲۸)

جدول ۹

بسامد و درصد فراوانی مفاهیم مستخرجه درباره سبک زندگی در کتاب دا

ردیف	مؤلفه	مفاهیم	تعداد	درصد فراوانی
۱	مسائل اعتقادی و دینی	کسب روزی حلال؛ عدم دل بستگی به مادیات؛ ایمان و اعتقاد قلبی؛ کسب رضایت خدا و خلق؛ به یاد مرگ بودن؛ شهادت طلبی؛ آرامش یافتن با ذکر اهل بیت (علیهم‌السلام)؛ انس با قرآن؛ یاری گرفتن از خدا در کارها؛ اهمیت دادن به نماز؛ دعا و نیایش به درگاه خدا.	۱۱	۲۵٪
۲	مسائل تربیتی	ساده زیستی؛ وقت شناسی؛ واکنش‌های رفتاری مناسب؛ حفظ عزت نفس؛ اهمیت دادن به تربیت فرزندان؛ ایثار و از خودگذشتگی.	۶	۱۴٪
۳	مسائل اخلاقی	قناعت و کم توقعی؛ عدم منفعت جویی؛ خوش اخلاق بودن؛ مغرور نشدن از تعریف و تمجید دیگران؛ نوع دوستی؛ سخاوتمندی و مهمان نوازی؛ محبت کردن به اعضای خانواده.	۷	۱۶٫۵٪
۴	مسائل انگیزشی	ایجاد آرامش روحی و روانی؛ ایجاد انگیزه برای کارهای نیک؛ دل داری دادن به دیگران؛ مثبت اندیشی؛ روحیه دادن به اطرافیان؛ ایجاد فضای شاد و شادی بخشی.	۶	۱۴٪
۵	اتحاد و همبستگی	کمک به تأمین مخارج زندگی؛ حس همیاری و کمک‌رسانی؛ پیروی از رهبری.	۳	۷٪
۶	هدفمندی	حرکت آگاهانه در مسیر اهداف؛ سخت‌کوشی در راه عقیده؛ صبر و تحمل پذیری.	۳	۷٪
۷	خردگرایی	موقعیت شناسی؛ کتمان حقایق به ضرورت؛ داشتن روحیه پرسش‌گری؛ هوشیاری و زکاوت.	۴	۹٫۵٪
۸	عمل‌گرایی	تلاش در راه خدا؛ وظیفه‌شناسی؛ توجه به اعمال و رفتار خویش.	۳	۷٪
	جمع کل		۴۳	۱۰۰٪



نمودار ۱: تعداد و درصد فراوانی مؤلفه‌های مستخرجه

- ۱- مسائل اعتقادی و دینی
 - ۱- کسب روزی حلال؛ ۲- عدم دلچسپی به مادیات؛ ۳- ایمان و اعتقاد قلبی؛ ۴- کسب رضایت خدا و خلق؛ ۵- به یاد مرگ بودن؛ ۶- شهادت‌طلبی؛ ۷- آرامش یافتن با ذکر اهل بیت؛ ۸- انس با قرآن؛ ۹- باری گرفتن از خدا در کارها؛ ۱۰- اهمیت دادن به نماز؛ ۱۱- دعا و تپایش به درگاه خدا
- ۲- مسائل تربیتی
 - ۱- ساده زیستی؛ ۲- وقت شناسی؛ ۳- واکنش‌های رفتاری مناسب؛ ۴- حفظ عزت نفس؛ ۵- اهمیت دادن به تربیت فرزندان؛ ۶- ایثار و از خودگذشتگی.
- ۳- مسائل اخلاقی
 - ۱- قناعت و کم توقعی؛ ۲- عدم منفعت‌جویی؛ ۳- خوش اخلاق بودن؛ ۴- مژور نشدن از تعریف و تمجید دیگران؛ ۵- نوع‌دوستی؛ ۶- سخاوتمندی و مهمان‌نوازی؛ ۷- محبت کردن به اعضای خانواده
- ۴- مسائل انگیزشی
 - ۱- ایجاد آرامش روحی و روانی؛ ۲- ایجاد انگیزه برای کارهای نیک؛ ۳- دلداری دادن به دیگران؛ ۴- مثبت اندیشی؛ ۵- روحیه دادن به اطرافیان؛ ۶- ایجاد فضای شاد و شادی‌بخشی
- ۵- اتحاد و همبستگی
 - ۱- کمک به تامین مخارج زندگی؛ ۲- حس همیاری و کمک‌رسانی؛ ۳- پیروی از رهبری
- ۶- هدفمندی
 - ۱- حرکت آگاهانه در مسیر اهداف؛ ۲- سخت‌کوشی در راه عقیده؛ ۳- صبر و تحمل‌پذیری.
- ۷- خردگرایی
 - ۱- موقعیت شناسی؛ ۲- کنمان حقایق به ضرورت؛ ۳- داشتن روحیه پرسشگری؛ ۴- هوشیاری و زکاوت
- ۸- عملگرایی
 - ۱- تلاش در راه خدا؛ ۲- وظیفه‌شناسی؛ ۳- توجه به اعمال و رفتار خویش

نمودار ۲: الگوی نهایی مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی در کتاب دا

۳. بحث و نتیجه‌گیری

مقاله حاضر با استفاده از راهبرد نظریه داده بنیاد، داده‌های مربوط به جامعه آماری را بررسی و با روش کدگذاری، مفاهیم و مؤلفه‌های مرتبط را استخراج و طبقه‌بندی کرد.



بررسی مفاهیم سبک زندگی در کتاب د/ نشان می‌دهد که سبک زندگی هر شخص با معنای زندگی او ارتباط دارد؛ یعنی اگر هرانسانی برای زیستن، هدف و معنایی داشته باشد، می‌تواند سبک زندگی را به درستی ترسیم کند. (علی‌زمانی، ۱۳۸۶) پس از طبقه‌بندی مفاهیم مرتبط، بسامد و درصد فراوانی مفاهیم به دست آمد. در نهایت، تعداد ۴۳ مفهوم در قالب ۸ مؤلفه گردآوری شد. نتایج نشان می‌دهد که مؤلفه مسائل اعتقادی و دینی با ۱۱ بار تکرار و فراوانی ۲۵٪ بیشترین فراوانی را نسبت به سایر مؤلفه‌ها به خود اختصاص داده است.

مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی براساس کتاب د/ عبارتند از: مسائل اعتقادی و دینی، مسائل تربیتی، مسائل اخلاقی، مسائل انگیزشی، اتحاد و همبستگی، هدفمندی، خردگرایی و عمل‌گرایی. در بخش پایانی برپایه مفاهیم و مؤلفه‌های گردآوری شده، گزاره‌های زیر به دست آمده است. این گزاره‌ها از تلفیق چند مفهوم یا بیان روابط چند متغیر ساخته شده است:

- سبک زندگی اسلامی به تمام حلقه‌های معطوف به حیات انسانی ارزش می‌بخشد. همان‌طور که سیده زهرا با سخت‌کوشی در راه باورها و تحمل‌پذیری در برابر سختی‌ها و داشتن روحیه شهادت‌طلبی، آگاهانه در این مسیر حرکت می‌کند؛

- در سبک زندگی اسلامی، به ظواهر زندگی، امور تکراری و عادت‌های روزمره اهمیت چندانی داده نمی‌شود بلکه فراتر از جریان عادی زندگی و در راستای رسیدن به اهداف متعالی است؛

- در سبک زندگی اسلامی، تحمل‌پذیری سختی‌ها در مسیر زندگی معنا دار می‌شود. به عبارت دیگر، انسان هدفمند، سختی‌ها را برای رسیدن به هدفی والاتر می‌پذیرد و در مسیری حرکت می‌کند که تمام آنها با حس رضایتمندی و عشق بی‌کران برای او پذیرفتنی می‌شود؛

- ثمره اصلی معنویت و دین‌داری، آرامش و شادی است. همان‌طور که سیده زهرا در اوج سختی و ناراحتی به همه اطرافیانش روحیه می‌دهد. او قصد دارد با ایجاد فضایی شاد و صمیمی، به خانواده و دوستانش دل‌داری بدهد؛

- در سبک زندگی اسلامی، نحوه ارتباط انسان با خداوند بسیار اهمیت دارد. ارتباطی

که در آن می‌توان به خداوند نزدیک شد، با او رازونیاز کرد، به او عشق ورزید و در سختی‌ها از او یاری جست؛

- در سبک زندگی اسلامی، بسیاری از مسائل تربیتی باید در عمل نهادینه شود؛ زیرا تبلیغ، تذکر و توبیخ، تأثیر چندانی ندارد. همان‌طور که خانواده سیده زهرا با اهمیت دادن به تربیت فرزندان با واکنش‌های رفتاری مناسب، بسیاری از نکات تربیتی را در رفتار و اعمالشان به فرزندان می‌آموزند؛

- سبک زندگی اسلامی، ثمره اخلاق نیکو و پسندیده‌ای است که در کردار و رفتار اعضای خانواده نهادینه شده است. تأثیر ذکر خدا، انس با قرآن و نماز اول وقت به وضوح در لحظه لحظه رویدادهای زندگی قهرمان داستان منعکس است؛

- در سبک زندگی اسلامی به مسائل انگیزشی نیز اهمیت داده می‌شود. همان‌طور که سیده زهرا با وجود تمام مشکلات، در جهت دل‌داری و آرامش دادن به دیگران گام برمی‌دارد؛ - شخصیت اصلی داستان با تأکید بر بی‌اعتبار بودن دنیا (ناپایداری جهان)، به ظواهر دنیا دل نمی‌بندد، فرصت‌ها را غنیمت می‌داند و در جهت شادی و شادی بخشی گام برمی‌دارد؛

- در سبک زندگی اسلامی، موضوع مثبت‌اندیشی به عوامل محیطی و سطح رفاه زندگی ارتباطی ندارد. همان‌طور که سیده زهرا در سخت‌ترین شرایط تاحدممکن افکار منفی را از خودش دور می‌کند؛

- تأثیر رزق و روزی حلال در زندگی سیده زهرا به‌طور کامل نمایان است. زندگی دنیا را بی‌اعتبار می‌داند، به هیچ‌یک از تعلقات مادی دل بستگی ندارد و به دنبال منفعت طلبی و کسب مقام و موقعیت نیست.

فهرست منابع

۱. اسمعیل پور، لیلا (۱۳۸۹). توصیف و تحلیل گفتمان جنگ زبان شناختی در روایت دا. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زنان‌شناسی. دانشگاه کردستان.
۲. ایروانی، محمدرضا، و نکوبخت، ناصر (۱۳۹۵). بررسی، تحلیل و نقد سبک‌شناسانه خاطره‌نگاشته دا. نشریه ادبیات پایداری دانشگاه شهید باهنر کرمان، ۸(۱۴)، ۲۹-۶۰.
۳. حسینی، سیده زهرا (۱۳۸۷). دا، خاطرات سیده زهرا حسینی به اهتمام سیده اعظم حسینی. تهران: انتشارات سوره مهر.

۴. خضرزاده، نادر (۱۳۹۱). بررسی شیوه وقایع‌نگاری داستانی ادبیات دفاع مقدس براساس کتاب دا. پایان نامه کارشناسی ارشد. گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ارومیه.
۵. دانایی‌فرد، حسن، الوانی، سیدمهدی، و آذر، عادل (۱۳۸۳). روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت. تهران: انتشار صفار شرقی.
۶. رحیمی، فریبا (۱۳۹۱). نقد و بررسی عناصر داستان در کتاب دا. پایان نامه کارشناسی ارشد. گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اراک.
۷. شریفی، احمدحسین (۱۳۹۲). همیشه بهار. قم: نشر معارف.
۸. علی‌زمانی، امیرعباس (۱۳۸۶). معنای معنای زندگی. نشریه نامه حکمت، (۱)۵، ۵۹-۸۹.
۹. محمدعلی‌پور، کوثر (۱۳۹۱). گفت‌وگو در ادبیات پایداری ایران و فلسطین. پایان نامه کارشناسی ارشد. گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بوعلی سینا.
۱۰. معین‌الدینی، فاطمه (۱۳۸۸). شگردها و زمینه‌های تداعی معانی در داستان دا. نشریه علمی-پژوهشی ادبیات پایداری دانشگاه شهید باهنر کرمان، (۱)۱، ۱۵۹-۱۸۴.
۱۱. منگالی، زهرا (۱۳۸۹). مفهوم‌شناسی سبک زندگی اسلامی. نشریه سوره، ۳(۴۶)، ۲۳-۳۸.
۱۲. مهدوی‌کنی، محمدسعید (۱۳۸۶). دین و سبک زندگی. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
13. Strauss, A., & Corbin, J. (1998). *Basics of Qualitative research: Granded Theory procedures and Thechniques*. CA: sage.

